



روان‌شناسی شناخت دولت روحانی در قبال هشدار خروج دولت ایالات متحده از پر جام

رضا سلیمانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۸

چکیده:

عمده تحقیقات صورت گرفته درباره شیوه و فرایند تصمیم‌گیری رهبران سیاسی در سیاست خارجی، تصمیمات مزبور را به عنوان یک برون‌داد عینی قلمداد کرده‌اند و از فرایندهای شناختی منتهی به یک تصمیم‌گیری مهم توسط افراد/رهبران مغفول مانده است. هدف از این پژوهش بررسی شیوه استدلال و سبک شناختی دولت حسن روحانی در مواجهه با تهدید ۴۷ سناتور جمهوری خواه آمریکا به خروج دولت بعد از باراک اوباما از هرگونه قرارداد هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران است. با استفاده از تحلیل برخی سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های موجود، فرایند شناختی رئیس و وزیر خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم و رئیس اسبق کمیسیون سیاست خارجی مجلس در زمان مذاکرات در قبال هشدارهای خارجی و داخلی مطرح در خصوص ناپایداری چنین قراردادی با توجه به حقوق اساسی خاص و پیچیده ایالات متحده آمریکا بررسی می‌شود. با فرض گرفتن تلاش برای تأمین منافع ملی و طبق نظریه انسجام شناختی و نظریه طرح‌واره، دولت روحانی بر اساس باورها و پیش‌فرض‌های بنیادین پیشینی خود در قبال مذاکره با غرب (خصوصاً ایالات متحده آمریکا)، هرگونه اطلاعات و بحث جدید دال بر مسیر نادرست مذاکرات را خود کنار گذاشت و کوشید باورها/پیش‌فرض‌های خود را در قبال غرب و مذاکرات با آن حفظ کند. شناخت و رویکرد رهبران سیاسی در قبال اطلاعات محیطی آنها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش غیرقابل انکاری در فهم واقعیات و تنظیم اهداف، اولویت‌ها و عملکرد کشورها دارد. از این‌رو هرگونه خطای شناختی می‌تواند تبعات منفی میان‌مدت و بلندمدت برای منافع ملی داشته باشد.

واژگان اصلی: پر جام، شناخت، مذاکرات، هشدار، خروج ایالات متحده آمریکا.



مقدمه

در زمانی که در ۱۸ اسفندماه ۱۳۹۳ (۹ مارس ۲۰۱۵) ۴۷ سناتور جمهوری‌خواه آمریکا در نامه‌ای سرگشاده به مقامات ایران هشدار دادند که هر توافقی با باراک اوباما امضا کنند، فقط تا پایان دوره ریاست جمهوری او دوام خواهد داشت، شاید کمتر کسی از منتقدان داخلی امضای برجام با طرف پنج به علاوه یک و نیز مخالفان داخلی اوباما در کنگره آمریکا با اکثریت جمهوریخواه، تصور می‌کردند که این هشدار نادیده گرفته شود. هشدار می‌گفت که صحت آن درست در سه سال و سه ماه بعد در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۸ می ۲۰۱۸) با خروج رسمی ایالات متحده از برجام به اثبات رسید. در این نامه خطاب به سران ایران نوشته شده بود: «ممکن است شما به طور کامل سیستم قانونی ما را نشناسید. اما هرچه که به تصویب کنگره نرسیده باشد، یک «توافق ریاستی»^۱ با ضمانت اجرایی کامل به شمار نمی‌آید...توافقی که به تصویب کنگره نرسیده باشد، می‌تواند فقط با یک حرکت قلم رئیس‌جمهوری بعدی باطل شود و کنگره آینده هم هر زمان لازم دید، قادر است موارد توافق را تغییر دهد» (Rogin, March 9, 2015).

نکته جالب‌تر در مورد این نامه آن بود که سناتورهای جمهوری‌خواه در آن خطاب به رهبران ایران تصریح کرده بودند که دوره ریاست جمهوری آقای اوباما ژانویه ۲۰۱۷ تمام می‌شود در حالی که بیشتر نمایندگان کنگره بعد از آن و حتی سال‌ها در مسند باقی خواهند ماند. مشروح متن نامه نکات شفاف‌تر و هشدارهای حقوقی جدی‌تری را خطاب به ایران در خود جای داده است، عبارت است از:

درحالی‌که مذاکرات هسته‌ای شما با دولت ما در جریان است متوجه شدیم که شما به‌طور کامل ممکن است سیستم قانون اساسی ما را درک نکرده باشید. بنابراین، ما توجه شما را به دو ویژگی از قانون اساسی ما (قدرت کنگره در مورد موافقت نامه‌های بین‌المللی الزام‌آور و نیز مشخصات تفکیک قوا در قانون اساسی ما) جلب می‌کنیم که شما باید به‌طور جدی در زمانی که مذاکرات در حال پیشرفت است در نظر بگیرید: اول، بر اساس قانون اساسی ما، درحالی‌که رئیس‌جمهور در مورد موافقت نامه‌های بین‌المللی مذاکره می‌کند، کنگره نقش قابل توجهی در تصویب آن‌ها را ایفا می‌کند. در مورد هر معاهده، مجلس سنا باید آن را با دوسوم آراء تصویب کند. «موافقت نامه‌های کنگره-قوه مجریه» نیاز به رأی اکثریت در هر

^۱.Executive Agreement

دو مجلس نمایندگان و مجلس سنا دارد (که به دلایل قوانین جاری این به معنی سه پنجم رای در سنا است). هر چیزی توسط کنگره مورد تأیید نباشد فقط یک توافق صرف قوه مجریه است. دوم، ویژگی‌های قوا در قانون اساسی ما متفاوت هستند. به‌عنوان مثال، رئیس‌جمهور ممکن است تنها دو دوره ۴ ساله خدمت کند، درحالی‌که سناتورها ممکن است تعداد نامحدودی هر بار ۶ سال خدمت کنند. رئیس‌جمهور اوپاما ریاست جمهوری را در ژانویه ۲۰۱۷ ترک می‌کند، درحالی‌که بسیاری از ما در موقعیت خود به عنوان سناتور شاید ده‌ها سال بعد از آن باقی خواهیم ماند (Rogin, March 9, 2015:2).

نکته جالب آن است که این هشدار توسط برخی حقوقدانان و اساتید داخلی رشته حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل و آمریکاشناسی نیز، جدی انگاشته شده بود و دلایل حقوقی -تاریخی متقنی درباره صحت چنین هشدار به مقامات دولت روحانی هم مورد تصریح و تأکید قرار گرفته بود. جدی‌ترین هشدارهای علمی از این دست را می‌توان در مصاحبه توکل حبیب‌زاده، عضو هیات علمی و استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع)؛ فواد ایزدی، عضو هیأت علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و ابوذر گوهری مقدم، عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل و مدیر دفتر مطالعات آمریکا دانشگاه امام صادق (ع) با خبرگزاری تسنیم در ۲۴ اسفندماه ۱۳۹۳ (۱۵ مارس ۲۰۱۵) مشاهده کرد. در این مصاحبه ۱۴ نکته درباره نامه سرگشاده فوق‌الذکر مورد توجه قرار گرفته است که در تحلیل نهایی مواردی از قبیل «مطلق نبودن حق رئیس‌جمهور در آمریکا برای مذاکره و امضای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی» حتی تحت عنوان «موافقت‌های اجرایی»؛ «عدم استفاده از تعبیر «معاهده»^۱ در مذاکرات برجام با هدف باز نگه داشتن دست سنا در تأیید یا رد آن؛^۲ و تمرکز بار حقوقی نقض تعهدات بر دوش کنگره به جای رئیس‌جمهور را مورد تأیید و لزوم جدی انگاشتن هشدار ۴۷ سناتور جمهوریخواه را مورد تأکید قرار می‌دهد:

¹. Executive Agreements

². treaty

^۳. در این راستا جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا در جلسه استماع ۲۴ فوریه در کمیسیون تخصیص بودجه در پاسخ به سؤال سناتور لیندسی گراهام مبنی بر علت مخالفت دولت آمریکا در مورد تصویب توافق در سنا تصریح می‌کند که "رای شما (سناتورها) رأیی است که در نهایت برای لغو تحریمها لازم خواهد بود". ر.ک:

- <http://www.wsj.com/articles/kerry-defends-nuclear-talks-with-iran-1424805589>



کنگره معتقد است در ابتدای توافق باید در کنگره رأی گیری انجام شود و دولت آقای اوباما معتقد است این رأی گیری در زمان لغو احتمالی تحریم‌ها، می‌بایست صورت پذیرد. این امر بیانگر آن است که دولت آمریکا می‌تواند در نهایت بار عدم اجرای تعهدات خود را بر دوش کنگره نهاده و از مسئولیت تعهدات خود شانه خالی کند. البته این امر موجبات بی اعتباری و بی حیثیتی آمریکا در سطح بین‌الملل را بدنال خواهد داشت... (خبرگزاری تسنیم، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۹۳) از سوی دیگر و مهمتر از موارد فوق، جان کری در روز یازدهم مارس (بیستم اسفندماه) و پس از صدور نامه ۴۷ سناتور در توجیه اقدامات دولت اوباما، صراحتاً در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی سنا درباره علت عدم ارسال توافق به سنا اعلام می‌دارد: «ما از ابتدا به صراحت بیان کرده‌ایم که در مورد برنامه‌ای که به لحاظ حقوقی برای آمریکا الزام‌آور باشد، مذاکره نمی‌کنیم. ما در مورد برنامه‌ای مذاکره می‌کنیم که قابلیت اجرایی شدن (توسط ایران) را داشته باشد» (Rosen, March 11, 2015:1).

نکته اصلی و مهم در این هشدار حقوقی توسط اساتید فوق‌الذکر به دست‌اندرکاران مذاکرات این بود که: «عملاً اظهارت کری بیانگر منطق مذاکراتی آمریکا و رویکرد آن‌ها مبنی بر عدم الزام آمریکا به اجرای تعهدات احتمالی مطرح‌شده توسط دولت این کشور است. چنین رویکردی باید به شکل جدی از جانب دولتمردان جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد و نباید به سادگی از چنین برداشت صریحی که عملاً مخالف روند مذاکرات صورت گرفته میان ایران و گروه ۵+۱ است، گذشت. سؤال اساسی این است که چگونه توافق نهایی برای ایران الزام‌آور است ولی برای آمریکا الزام‌آور نیست؟» (خبرگزاری تسنیم، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۹۳).

این هشدار جدی با یادآوری سابقه تاریخی موارد عدم پایبندی ایالات متحده به تعهدات بین‌المللی امضاء شده توسط دولت‌های مختلف تحت عنوان موافقت‌نامه‌های اجرایی (۱۳ مورد تاریخی)، تکمیل شده است.^۱ از طرفی استدلال دولت در خصوص ضمانت اجرای قطعنامه

^۱ . فهرست زیر بخشی از مواردی است که در ۵۰ سال گذشته دولت آمریکا تعهداتی را امضا کرده ولی کنگره این کشور از تصویب نهایی استنکاف نموده و یا دولت این کشور به دلیل برخی مصالح آمریکا در صدد تصویب آنها برنیامده است. که نمونه مشهور آن پیمان کیوتو است:

1. 1962 – Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages.
2. 1966 – International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights
3. 1977 – American Convention on Human Rights

۲۲۳۱ شورای امنیت برای پایبندی اعضای پنج به علاوه یک به برجام، نیز در همین هشدار به دلایل متعدد حقوقی و سیاسی با تشکیک جدی مواجه شد. با توجه به آنکه قانون اساسی آمریکا تعهدات بین‌المللی را ذیل قانون اساسی و هم‌رتبه قوانین فدرال و قابل اصلاح توسط کنگره می‌داند، در صورت تصویب قانون بعدی مغایر توسط کنگره آمریکا، عملاً نقض قانون داخلی آن کشور صورت نگرفته و در صورت اعتراض احتمالی اعضای شورای امنیت، وتوی آمریکا مانع از اجرای مسئولیت این کشور خواهد شد. به لحاظ عملی نیز در گذشته مواردی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل از طریق تصویب قوانین در کنگره آمریکا نقض شده است به‌عنوان مثال تصویب مجوز خرید فلزات گران‌بها (کروم) توسط کنگره آمریکا، از رودزیا در سال ۱۹۷۱ برخلاف تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل.

با این توضیح، مسئله یا پرسش اصلی این مقاله آن است که چرا بازیگر اصلی مذاکرات برجام یعنی دولت حسن روحانی، به این هشدار جدی حقوقی وقعی نگذاشتند؟ به عبارت دیگر، با توجه به هشدارهای بیرونی و داخلی مبنی بر پیچیدگی سیستم حقوقی ایالات متحده و غیرقابل تکیه بودن انعقاد قرارداد با دولت‌ها بدون جلب بدون جلب پشتوانه حقوقی کنگره (حتی با وجود پشتوانه شورای امنیت)، چرا دولت وقت و تیم مذاکره‌کننده این مقولات را مورد توجه قرار ندادند؟ آیا این مساله برخاسته از یک خطای شناختی (اختلال در منطق شناخت) آنها بوده؛ چنانکه خود حسن روحانی در آخرین سخنرانی و در آخرین روز کاری اذعان کرد: « ما فکر نمی‌کردیم آمریکایی‌ها به این راحتی برجام را زیر پا بگذارند» (سخنرانی در جمع مدیران ارشد، ۱۴۰۰/۵/۱۱)؛ یا به دلیل اراده سیاسی برای تصویب چنین قراردادی با وجود اعتقاد قلبی چنین هشدارهایی بوده است؟ با توجه به غیرقابل سنجش بودن ادعای تلقی

-
4. 1979 – Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women
 5. 1989 – Convention on the Rights of the Child
 6. 1992 – Convention on Biological Diversity
 7. 1994 – Convention on the Safety of United Nations and Associated Personnel
 8. 1996 – Comprehensive Test Ban Treaty
 9. 1997 – Kyoto Protocol
 10. 1998 – International Criminal Court
 11. 1998 – Rome Statute of the International Criminal Court
 12. 2000 – United Nations Convention against Transnational Organized Crime
 13. 2007 – Convention on the Rights of Persons with Disabilities



برجام به عنوان نتیجه یک اراده یا پروژه سیاسی از پیش طراحی شده، مقاله مزبور با پیش‌فرض گرفتن اهتمام دولت روحانی و تیم مذاکره کننده به تأمین منافع ملی برآن است تا از منظر نظریه «انسجام‌شناختی» و نظریه «طرح‌واره»، دلیل نادیده گرفتن هشدارها درباره احتمال قوی نقض عهد برجام توسط طرف آمریکایی توسط دولت روحانی را مورد بررسی قرار دهد. ضرورت انجام چنین تحقیقی آن است که با وجود اهمیت نظام باورها و عوامل معنایی و شناختی در فهم سیاست خارجی، فقر این نظریه و روش مطالعاتی به شدت در حوزه مطالعات سیاست خارجی خصوصا موضوع تصمیم‌گیری رهبران سیاسی مغفول مانده است. موضوعی که این مقاله می‌کوشد تا حدودی آن را برجسته سازد.

پیشینه تحقیق

با توجه به پایان عمر سیاسی دولت حسن روحانی در مرداد ۱۴۰۰ و بدیع بودن موضوع آسیب‌شناسی مواجهه دولت یازدهم و دوازدهم به مذاکرات و خصوصا تدبیر در قبال احتمال خروج دولت یا دولت‌های پس از او با ما از برجام، تحقیق یا پژوهش خاصی در این خصوص نگاشته نشده است. خصوصا اینکه قرار باشد این موضوع از طریق بررسی فرایند شناختی منتهی به تصمیم‌گیری سیاست خارجی دولت دوازدهم مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، با نوعی خلاء پژوهشی در این خصوص مواجه هستیم و این یکی از دشواری‌های نویسنده مقاله پیش‌رو نیز بوده است. با این وجود، برخی آثاری که به طور غیرمستقیم در این خصوص نگاشته شده عبارتند از:

دانیال رضاپور و سیدامیر نیاکوئی (تابستان ۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه نقشه اداری و سیاست هسته‌ای دولت یازدهم» کوشیده است رویکرد حسن روحانی به حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران را با تکیه بر نقشه اداری او مورد بحث و بررسی قرار دهد و به همین دلیل به سراغ باورهای بنیادین وی در خصوص پرونده هسته‌ای ایران و سازوکار حل این موضوع رفته است. در عین حال این مقاله به هیچ وجه اشاره‌ای به ادراک او و دولت‌اش در قبال احتمال خروج طرف/طرف‌های مقابل (به‌ویژه دولت ایالات متحده) از برجام نمی‌کند.

مهدی سلطانی گردفرامرزی و اکبر اشرفی (زمستان ۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه گفتمان هسته‌ای حسن روحانی و گفتمان انقلاب اسلامی»، کوشیدند تا به نسبت‌سنجی عناصر گفتمان هسته‌ای دولت‌های یازدهم و دوازدهم با گفتمان انقلاب اسلامی و خصوصا رویکرد

رهبری نظام بپردازند و از این رهگذر، نقاط اشتراک و افتراق دو گفتمان مزبور را مورد واکاوی قرار دهند. هرچند این مقاله می‌تواند بخشی از نظام معنایی و اداری روحانی را برای خواننده روشن کند، اما از لحاظ موضوعی به مسئله مقایسه مواجهه با خروج احتمالی دولت پساوایاما در شرایط داغ بودن فضای تهدیدها و احتمالات برای خروج مزبور ورود نمی‌کند.

غلامعلی سلیمانی (زمستان ۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان «روان‌شناسی شناخت و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، کوشیده است تا با دقت و وسواس تحسین‌برانگیزی ارتباط میان حوزه مطالعاتی روان‌شناسی و مشخصاً گرایش روان‌شناسی شناخت را با حوزه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تجزیه و تحلیل کند. هرچند این مقاله از جهت نظریه و روش و اثبات ارتباط تنگاتنگ میان دو حوزه مزبور موفق بوده اما وارد مصادیق تصمیم‌گیری در سیاست خارجی به طور عام، سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به طور خاص و مواجهه با خروج احتمالی ایالات متحده از برجام به طور اخص نشده است.

حسن بشیر و محسن امینی (بهار ۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سخنرانی‌های حسن روحانی و دونالد ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل»؛ و همچنین عباس ظهوری عین‌الدوله و سعید پورعلی (پاییز و زمستان ۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کیفی سخنرانی‌های رئیس دولت یازدهم (حسن روحانی) در سازمان ملل با رویکرد استقرایی»، زمینه را برای تحلیل سخنان روحانی با موضوع هسته‌ای ایران فراهم کرده‌اند. لیکن این دو مقاله نیز وارد مقوله رویکرد ایران و مشخصاً دولت روحانی در قبال احتمال بدعهدی در طرف آمریکایی در خصوص برجام نشده‌اند.

رهیافت نظری-مفهومی

هدف روان‌شناسی شناخت عبارت است از تنظیم اصول و قواعدی قابل اتکار درباره ساختارها و فرایندهای ذهنی است که به شکل فهم و ادراک، حافظه، یادگیری، استدلال، داوری، تصمیم‌گیری و کاربرد اطلاعات روی می‌دهد. به عبارت دیگر، نقطه تمرکز روان‌شناسی شناخت «فرایندهای شناختی» است و می‌کوشد با توصیف روشن و جزئی از ادراک، معرفت و سایر فرایندهای شناختی به درک بهتری از رفتار انسان برد (خرازی و دولتی، ۱۳۸۸: ۶). هسته مرکزی روان‌شناسی شناخت این است که انسان‌ها چگونه اطلاعات را دریافت، پردازش و ذخیره می‌کنند که نسبت و ارتباط مستقیمی با تصمیم‌گیری دارد. در این



راستا، کتاب رابرت جرویس به نام «تصورات و سوءتصورات در روابط بین‌الملل» شاید مهمترین اثری باشد که پویش‌ها و میان‌برها و پردازش‌های ذهنی که حکایت از عدم توانایی ذهن در انجام محاسبات پیچیده مورد نظر مورد عقلانی است را مورد توجه قرار می‌دهد (See: Jervis, 1976).

به طور خلاصه روان‌شناسی شناخت تفاوت‌های مهمی را بین انتظارات مدل عقلانی و فرایندهای مربوط به خصایص، عقاید و قضاوت‌هایی که مردم مکرراً انجام می‌دهند، نشان داده است و این تفاوت‌ها را با توجه به نیاز انسان‌ها، از جمله رهبران، به کسب روش‌های ساده در فرایند کسب اطلاعات و داوری توضیح می‌دهد.

نظریه طرح‌واره‌ایا خساست شناختی و مفهوم ساده‌سازی (گریز از پیچیدگی)

به طور خلاصه، نظریه طرح‌واره فرض می‌کند که انسان دارای ظرفیت شناختی محدودی است. بر این اساس، این ظرفیت محدود شناختی رهبران سیاسی را مجبور می‌کند به منظور اینکه از عهده حجم بالای اطلاعات برآیند، درگیر نوعی اقتصاد ذهنی گردند به نحوی که می‌توان گفت از این حیث انسان‌ها، «خسیس»‌های شناختی هستند. بدین معنا که بیش از آنکه با هر تکه‌ای از اطلاعات جدید به صورت جداگانه برخورد کنند، آنها را با مقولات از پیش ساخته هماهنگ می‌کنند که طرح‌واره‌ها یا سناریوها نامیده می‌شوند. بدین ترتیب طرح‌واره‌ها به معنای نوعی مفاهیم عام، قواعد کلی و کلیشه‌های ذخیره شده در حافظه قلمداد می‌شوند که به منظور طبقه‌بندی و تفکیک اطلاعات ورودی جدید از آنها بهره گرفته می‌شود. (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۵۹-۱۶۰).

بدین ترتیب یکی از مکانیسم‌های رهبران سیاسی به منظور نیل به تصمیمات قاطع و عاجل، مکانیسم ساده‌سازی^۱ است. این مکانیسم به آن معناست که رهبران به عنوان انسان‌های دارای ذهن و شناخت محدود همواره به طور ناخودآگاه گرایش دارند که بخشی از جزئیات، پیچیدگی‌ها و عناصر فرعی مطرح در داخل یک موضوع را با هدف تسریع در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها کنار بگذارند و بدین منظور از قالب‌ها یا همان کلیشه‌های ساده‌سازی شده

1. Schema Theory

2. simplicity

بهره می‌گیرند. به دیگر سخن، چنانکه «استین» تصریح می‌کند این گرایش ریشه در نیاز طبیعی انسان‌ها/رهبران به ساده‌کردن محیط پرازدحام، پیچیده و گیج‌کننده به منظور دستیابی به یک سری الگوهی تصمیم‌گیری دارد (Stein, 2005: 104). «هیل» از این ویژگی به «صرفه‌جویی شناختی» و یا «ساده‌انگاری» تعبیر می‌کند و تأکید می‌کند که رهبران همواره میان دو گزینه متعارض «مدیریت امور» و «شناخت پیچیدگی»، معمولاً اولی را برمی‌گزینند چرا که وقع نهادن به اطلاعات بیش از حد در اختیار، مانع از تصمیم‌گیری قاطع و به موقع می‌گردد (هیل، ۱۳۷: ۱۶۴). بدین سان، ساده‌سازی اطلاعات هشداردهنده درباره احتمال خروج دولت آینده پس از باراک اوباما از برجام توسط مقامات دولت روحانی یکی از روش‌هایی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت

نظریه انسجام شناختی و مفهوم یکدست‌سازی اطلاعات (گریز از تناقض)

پیش‌فرض نظریه انسجام شناختی آن است که زمانی که انسان‌ها بر خلاف باورهایشان رفتار می‌کنند، تعادل روانی خود را از دست می‌دهند. در واقع، این پیش‌فرض تصریح می‌کند رهبران نمی‌توانند عملی را انجام دهند که باعث نابودی باورهایشان می‌شود، علاقه‌ای به پذیرش اطلاعات جدیدی که با باورهای پیشین‌شان هماهنگی ندارد نشان نمی‌دهند و می‌کوشند از وضعیتی که این تناقض یا «ناهماهنگی شناختی»^۱ را روشن می‌سازد، دوری کنند یا آن را بر ملاء نوازند. این خصیصه به یکپارچگی شناختی تعبیر می‌شود. در واقع، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی عمدتاً به دنبال اطلاعاتی هستند که از قبل انتظار داشتند و اطلاعات متعارض با انتظارات گذشته را یا کنار می‌گذارند یا مطابق تصور قبلی خود پردازش می‌کنند. چنانکه «رابرت جرویس» نیز تصریح می‌کند، مشکل یکپارچگی شناختی آن است که می‌تواند رهبران تصمیم‌گیر را بیش از حد به صحت دیدگاه‌ها و تصمیماتش مطمئن سازد به گونه‌ای که دیدگاه‌ها/سناریوهای جایگزین مهم دیگر را کنار بگذارد و نهایتاً منتهی به اعمال سیاست‌های غیرمنعطف شود (Jervis, 1976: 117-143).

این موضوع آنچنان در مواجهه رهبران با اطلاعات جدید تأثیرگذار است که گاه از آن به

1. Cognitive Cohesion

2. Cognitive Dissonance

3. Cognitive Consistency



انسداد ذهن، یعنی جلوگیری از ورود اطلاعات ناسازگار با عقاید/باورهای پیشین سخن به میان می‌آید. به عبارت دیگر نظام باورها یکی از تاثیرگذارترین عوامل معنایی و شناختی به شمار می‌روند، که به مثابه پنجره‌ای رو به دنیای واقع و امر سیاسی، امکان نگرش رهبران به واقعیت‌های پیرامونی و بین‌المللی را فراهم می‌کنند. از این رهگذر، بر خلاف تصور رئالیستی، کار ذهن و منطق شناخت انسان‌ها نه ضرورتاً انعکاس واقعیت بیرونی (آنچنان که هست و باید شناخت ما تابعی از آن باشد)، بلکه در موارد متعددی «دست‌کاری واقعیت»^۱ بواسطه تصویرگری از واقعیت‌های اجتماعی-سیاسی است. این دست‌کاری واقعیت، از دیدگاه روان‌شناسی شناختی به این معناست که باورها می‌توانند به عنوان نوعی «میانبر ذهنی» در نظر گرفته شوند. بدین معنا که افراد باورهای خود را برای کمک به فهم جهان به کار گرفته و تقویت می‌کنند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

در مواجهه با چنین ناهماهنگی شناختی‌ای برخی رهبران (یا رأی‌دهندگان) می‌کوشند اینگونه ناهماهنگی‌ها را به «هم‌آوایی» بدل سازند و با تاکتیک «کم‌اهمیت‌سازی عقلایی» موضوع از اهمیت اختلاف یا تناقض بکاهد (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۵۵). با این توضیح، بر اساس نظریه انسجام شناختی انسان‌ها و از جمله رهبران سیاسی در مواقع مواجهه با اطلاعات جدیدی که در تضاد با این نظام باوری قرار می‌گیرند، به طور طبیعی متمایل به حفظ انسجام «باورهای پیشینی خویش»^۲ از طریق «فیلتر کردن» اطلاعات جدید مزاحم و کنار گذاشتن آنها هستند. این موضوع البته آنگونه که «رنشون» یادآوری می‌کند نوعی مکانیسم طبیعی ذهن در مواجهه با حجم عظیمی از اطلاعات در شرایط محدودیت در پردازش داده‌ها نیز به شمار می‌رود (See: Renshon, 2008). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد نظریه «انسجام شناختی» بتواند تا حدود زیاد از عهده تبیین چرایی پس زدن اطلاعات جدید متضاد با نظام باورها (در این مقاله نامه هشدارآمیز حقوقی سرگشاده ۴۷ سناتور جمهوری خواه و نیز هشدارهای داخلی در خصوص اعتبار محتوای چنین نامه‌ای) توسط رهبران سیاسی (در اینجا دولت روحانی و تیم مذاکره کننده) برآید. فرض نظریه انسجام شناختی این است که افراد/رهبران، جهان را با تکیه بر «باورهای کلیدی»^۴ خود می‌فهمند و در تلاش برای حفظ انسجام باورهای خود

1. Manipulating Reality

2. Cognitive psychology

3. Pre-Existing Beliefs

4. Key Believes

هستند (Rosati, 1995: 51-52). بدین‌سان، فهم نقشه شناختی یا باورهای کلیدی دولت روحانی موثر در رد اعتبار هشدار فوق‌الذکر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

روش پژوهش

روش و مبنای اصلی این پژوهش مبتنی بر روان‌شناسی سیاسی و شناختی است. در این مقاله، کنش‌گران اصلی مورد نظر (حسن روحانی، محمدجواد ظریف و علاءالدین بروجردی) بر اساس شناخت و نظام باورهای خویش به خود و دیگری (موضوع مذاکرات هسته‌ای و به‌ویژه تهدید خروج دولت بعدی ایالات متحده از برجام) می‌نگرد. نوع واکنش ایشان به احتمال خروج مزبور، متأثر از شناخت آنها است. بر این اساس در این نوشتار سعی خواهد شد از طریق مطالعه مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و موجود، نوع درک و شناخت حسن روحانی، محمدجواد ظریف و علاءالدین بروجردی، به عنوان رییس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از تهدید برخی سناتورهای جمهوری خواه به خروج محتمل دولت بعدی با «چرخش یک قلم» مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بدیهی است در این روش نوع استدلال آنها در مواجهه با تهدید فوق در مرکز توجه قرار خواهد گرفت.

۱. ساده‌سازی هشدار خروج از برجام

همانگونه که ذکر آن رفت، ساده‌سازی یک سازوکار به منظور حفظ ذخایر شناختی و در واقع حفظ انسجام شناختی در مواجهه با اطلاعات (هشدارها)ی مغایر با شناخت اولیه و طرح‌واره‌های ذهنی رهبران سیاسی به شمار می‌رود. سازوکار مزبور می‌کوشد به صورت ناخودآگاه یا خودآگاه پیچیدگی‌های موجود در بررسی و تحلیل اطلاعات مغایر را با برخی ساده‌سازی‌ها، کم‌اهمیت و غیرقابل اعتناء و غیرجدی جلوه دهد و از این رهگذر بر درستی مسیر شناختی خود تأکید نماید. با توجه به موضوع مقاله، این ساده‌سازی توسط مقامات ذی‌ربط دولت روحانی گاه در قالب ساده‌سازی پیچیدگی‌های نظام حقوقی ایالات متحده به «روی کار آمدن رییس جمهور جدید غیرمعتقد به برجام» در آمریکا نسبت داده می‌شود؛ گاه به یک «ترفند تبلیغاتی» تقلیل داده می‌شود؛ و گاه به «کارشکنی عربستان سعودی و اسرائیل در برهه حساس مذاکرات» تعبیر می‌شود:



۱-۱. روی کار آمدن رییس جمهور جدید مخالف برجام

بر اساس این گزاره، خروج از برجام نه به خروج رسمی دولت ایالات متحده آمریکا بلکه به خروج رییس جمهور جدید تندروری جمهوری خواه و مخالف برجام نسبت داده می‌شود. شیوه استدلال طوری است که نشان دهد اگر رییس جمهوری همکفر با باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا پیروز می‌شد، خروجی اتفاق نمی‌افتد. نکته مهم و کلیدی در چنین سبک و سیاقی از استدلال آن است که مبنای حقوقی پیچیده موجود در نظام حقوقی ایالات متحده که دست رییس جمهوران بعدی را برای خروج از توافقات بین‌المللی باز نگه می‌دارد، نادیده گرفته و آن را صرفاً به تغییر مرد شماره یک کاخ سفید تقلیل می‌دهد. جملاتی از آخرین مصاحبه حسن روحانی به عنوان رییس جمهور دولت دوازدهم بر این موضوع اساسی دلالت دارد:

در دولت دوازدهم کسی در آمریکا سر کار آمد که مانع این کار شد چون در توافق هسته‌ای ما با ۵+۱ حرف می‌زدیم و با آن‌ها توافق کردیم ولی واقعیت این بود که با آمریکا حرف می‌زدیم در آمریکا کسی روی کار آمد که در تبلیغات انتخاباتی اعلام کرد که بدترین توافق برای آمریکا برجام بود و اگر من رییس جمهور شوم این توافق را از بین می‌برم (خبرگزاری صداسیما، ۱۴۰۰/۵/۱۱).

۱-۲. کارشکنی افراطی‌های داخل آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی

کارشکنی در برهه حساس مذاکرات (مقطعی که مذاکرات بر اساس سند لوزان سوئیس در آستانه نتیجه‌گیری است)، اصلی‌ترین گزاره‌ای است که علاوه بر خود حسن روحانی از زبان برخی مقامات دولت وی از جمله وزیر خارجه او و نیز علاءالدین بروجردی، رییس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، نیز در واکنش به متن نامه سرگشاده مزبور قابل پیگیری است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد نوعی درک و شناخت مشابه میان روحانی، ظریف و بروجردی قابل انتزاع باشد:

روحانی در آخرین مصاحبه رسمی خود از این موضوع سخن گفت که: «ترامپ و تندرورهای آمریکا هم که همیشه مخالف برجام بودند و این توافق بالاخره شکسته شد... وقتی این پیشرفت را ایران کرد ارتجاع منطقه، صهیونیسم و تندرورهای آمریکا اول آمدند منطقه ما را بهم ریختند. موصل در خرداد ۹۳ به دست داعش سقوط کرد» (سخنان در جمع مدیران ارشد،

۱۴۰۰/۵/۱۱). البته روحانی به طور مشابهی در یکی از جلسات هیأت دولت مسئله پشتوانه قانونی خروج ایالات متحده از برجام را به مخالفت مثلث تندروهای داخل آمریکا، اسرائیلی‌ها و ارتجاع منطقه نسبت داد. او با بیان اینکه صهیونیست‌ها، ارتجاع منطقه و تندروهای آمریکا و ضدانقلاب از ابتدا با برجام مخالف بودند، گفت: «وقتی یک فرد مجنون سیاسی در آمریکا روی کار آمد، او را تحت فشار قرار دادند و به وی گفتند اگر از برجام خارج شوی دیگر برجام باقی نخواهد ماند و کافی است فقط ۲۴ ساعت تحمل سیاسی داشته باشی، اما این محاسبه نیز اشتباه از آب در آمد و ترامپ هر روز بیشتر تحت فشار قرار داشت». (سخنان در جلسه هیأت دولت، ۱۴۰۰/۴/۲۳).

- ظریف نیز در تحلیل و شناختی مشابه، مسئله نامه سرگشاده را به «نگرانی گروه‌های فشار» در آمریکا از حصول نتیجه برای مذاکرات نسبت می‌دهد و اینگونه تحلیل می‌کند که: «در حالی که مذاکرات هنوز به نتیجه نرسیده و توافقی حاصل نشده، گروه‌های فشار در آمریکا آن چنان نگران شده‌اند که با توسل به شیوه‌های غیرمعارف بیش از هر چیز نشان می‌دهند که همانند نتایهو با هر نوع توافقی مخالفند» (مصاحبه در واکنش به نامه سرگشاده ۴۸ سناتور، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۳/۱۲/۱۸).

-علاءالدین بروجردی، رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز در واکنش به متن نامه مزبور همین خط تحلیلی را دنبال کرده، برای اولین بار به صراحت، به کارشکنی عربستان در کنار رژیم صهیونیستی در مذاکرات پرداخت:

لابی صهیونیست‌ها در این مذاکرات از زمانی که بحثها جدی تر شد و عزم طرفین به حصول نتیجه شد و نشان داد ما علاقمندیم به نتیجه برسیم فعال شد. علت [صدور نامه سرگشاده ۴۷ سناتور] این است که در این مدت از یک رژیم صهیونیستی و از طرف دیگر عربستان سعودی - باید به صراحت بگوییم - حداکثر فشار را به آمریکایی‌ها آورده‌اند که کار به نتیجه نرسد. از قبل این درگیری ما با آمریکا و غرب، خیلی‌ها در منطقه نان می‌خورند. عزم توافق در طرفین جدی است. این که ملاحظه می‌کنید در کنگره آمریکا تب و تاب هسته‌ای بالاتر از مجلس شورای اسلامی است، به دلیل نفوذ گسترده لابی صهیونیست‌هاست که علاقه‌مند نیستند این کار به نتیجه برسد. حتی در توافق خوبی که ما قبول داریم. آنها علاقه‌مندند این کار واقع نشود و نامه ۴۸ سناتور آمریکایی چیز عجیبی بود که به رهبر معظم



ما نوشتند به او با ما اعتماد نکنید. علت، این نکته است (میزگرد برنامه نگاه ۱ شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۳/۲۴).

نکته مغفول در چنین درک و شناختی آن است که همانگونه که ذکر آن رفت طبق حقوق اساسی آمریکا، معاهدات بین‌المللی هم‌مرتبۀ قوانین فدرال بوده و به عبارت دیگر، این معاهدات می‌تواند از طریق تصویب قوانین بعدی، نسخ و نقض گردد و اختیار این امر نیز با کنگره آمریکا است (See: <https://www.usconstitution.net/const.pdf>). حال آنکه برجام به دلیل آنکه در مجلسین آمریکا به تصویب نرسید، در سطح قوانین داخلی آمریکا به شمار نمی‌رود و دولت یا دولت‌های مخالف آن به راحتی می‌توانند با همان «چرخش قلم» بر روی کاغذ، که تام کاتن در نامه سرگشاده مزبور هشدارش را به مقامات جمهوری اسلامی ایران داده بود، از آن خارج شوند.

۱-۳. نامه هشدارآمیز به مثابه یک «ترفند تبلیغاتی» صرف

تقلیل یک هشدار جدی یا «واقعیت» جدید به جنگ روانی صرف، یکی از شیوه‌های رهبران سیاسی در روند کم‌اهمیت جلوه دادن و ساده‌سازی یک هشدار با پایه‌های واقعی و محتمل به شمار می‌رود. از این حیث تصریح و تأکید بر اینکه هشدار خروج دولت بعد از او با ما «صرفاً یک شگرد تبلیغاتی» است، نوعی ساووزکار ساده‌سازی یک امر جدی و پیچیده محتمل به شمار می‌رود. چنانکه ظریف در واکنش‌اش به نامه ۴۷ سناتور آمریکایی تصریح کرده بود: «به اعتقاد ما این نامه هیچ ارزش حقوقی ندارد و صرفاً یک ترفند تبلیغاتی است» (پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۱۳۹۳/۱۲/۱۸). این در حالی است مطابق با حقوق اساسی ایالات متحده اطلاق وصف «توافق بین‌المللی حقوقی» به برجام، حتماً مشروط به تایید کنگره است؛ و اجرایی یا عدم اجرایی شدن آن بستگی به نظر مساعد یا منفی دولت مستقر در کاخ سفید نسبت به آن دارد. به این معنا که اگر رئیس دستگاه اجرایی موافق مفاد آن باشد و آن را توافقی بد و مغایر با منافع ملی آمریکا نداند، کنگره از حیث حقوقی نمی‌تواند مانعی برای اجرای آن ایجاد کند. چنانکه حتی دولت باراک او با ما مبدع مذاکرات هسته‌ای با ایران نیز و مشخصاً چنانچه اشاره شد وزیر خارجه او جان کری تصریح کرده بود که دولت آمریکا اعلام

.fact^۱

کرده است موضوع در واقع مذاکره یک سند حقوقی لازم الاجراء نیست، بلکه موضوع یک توافق نامه سیاسی است بین کشورهاست. (Rosen, March 11, 2015:1)

۲. تلاش برای حفظ ذخیره شناختی (گریز از تناقض با یکدست‌سازی اطلاعات)

منظور از ذخایر شناختی عبارت است از داشته‌ها و پیش‌فرض‌های رهبران سیاسی که همواره به عنوان باورهای بنیادین و به مثابه صافی اطلاعات ورودی آنها را گزینش می‌نماید. این ذخایر مانعی در راه پذیرش و درک اطلاعات جدید متناقض با شناخت‌های قبلی رهبران است. بر این اساس، تلاش رهبران برای حفظ ذخایر شناختی نوعی تمایل طبیعی به منظور حفظ انسجام شناختی از طریق یکدست‌سازی اطلاعات آنها به شمار می‌رود. با این توضیح، ذخیره‌سازی شناخت نوعی اقدام به منظور حفظ درک پیشین در مواجهه با اطلاعات جدید مزاحم یا مغایر است. درک‌های پیشین مزبور نوعی مقاومت در مقابل پذیرش واقعیت/ واقعیت‌های جدید در میان رهبران سیاسی ایجاد می‌کند.

ذخیره شناختی رئیس دولت دوازدهم و وزیر خارجه او نیز به گونه‌ای است که به دنبال گریز از تناقضات واقعیت (هشدار خروج آمریکا از برجام پس از دوره ریاست جمهوری باراک اوباما) با ایده و شناخت خود (غیرمحمتمل بودن خروج) بوده است. اظهار تعجب ظریف از تهیه و ارسال نامه برخی نمایندگان مجلس یک کشور (کنگره) علیه رئیس جمهور و دولت خود (باراک اوباما) به رهبران کشور، حاکی از نوع خاصی از شناخت اوست که بیانگر شکاف میان شناخت وی و واقعیت‌های ایالات متحده آمریکا است. هرچند خود وی تصریح داشت که: «نامه سناتورهای مزبور نشان می‌دهد که آنها نه تنها با مقررات حقوق بین‌الملل بیگانه‌اند، بلکه حتی به طور کامل با ریزه‌کاری‌های قانون اساسی خود در مورد اختیارات رئیس جمهور آمریکا در اجرای سیاست خارجی نیز آشنا نیستند» (پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۱۳۹۳/۱۲/۱۸). او ضمن اینکه یادآور شد بیشترین توافقات بین‌المللی ایالات متحده در دهه‌های اخیر از نوع توافقات اجرایی و نه معاهدات تصویب‌شده توسط سنای، از برخی جملات کلیدی دال بر ذخیره شناختی خود رمزگشایی کرد به نوعی بیانگر آرمان‌گرایی حقوقی وی و صورت‌بندی منطقی شناختی او متأثر از این عامل است:

این سناتورها باید بدانند که دنیا معادل آمریکا نیست و روابط بین‌الملل بر اساس موازین



حقوق بین الملل و تعهدات و تکالیف بین المللی دولت ها تنظیم می گردد، نه بر اساس قوانین داخلی ایالات متحده. ممکن است سناتورهای امضاکننده نامه فوق الذکر به صورت کامل آگاه نباشند که در حقوق بین الملل، دولت ها نماینده کل حاکمیت و مسئول روابط خارجی کشور خود و ملزم به اجرای تعهداتی هستند که در روابط با دیگر دولت ها می پذیرند و نمی توانند به بهانه مقررات داخلی از اجرای تعهدات بین المللی خود سرباز زنند... تغییر دولت در هیچ کشوری به معنای منتهی شدن تعهدات بین المللی آن کشور نیست ... اگر رئیس جمهور بعدی به تعبیر سناتورهای مزبور با یک گردش قلم تعهدات بین المللی ایالات متحده را منتهی نماید، مرتکب نقض آشکار حقوق بین الملل شده است. به ویژه آن که این تعهدات در قالب یک قطعنامه لازم الاجرای شورای امنیت و حاصل مذاکره و توافق با حضور پنج کشور دیگر از جمله تمامی اعضای دائم شورای امنیت باشد... خوب است این سناتورها بدانند که بر اساس حقوق بین الملل کنگره نیز در آینده نمی تواند مفاد توافق را تغییر دهد و بدیهی است که هر اقدام کنگره در جلوگیری از اجرای توافق احتمالی دولت آمریکا به مثابه نقض تعهدات بین المللی آن دولت خواهد بود» (پایگاه اطلاع رسانی دولت، ۱۳۹۳/۱۲/۱۸).

نمونه‌هایی از این باور عمیق نهادینه شده یا همان ذخیره شناختی در کلام رئیس دولت یازدهم و دوازدهم نیز قابل رصد و پیگیری است. گزاره‌هایی مانند «راهی جز مذاکره و تعامل نداریم» (سخنان در جمع مدیران ارشد دولت دوازدهم، ۱۴۰۰/۵/۱۱)؛ و نیز «مذاکره جلوی جنگ را گرفت» (خبرگزاری صداوسیما، ۱۴۰۰/۵/۱۱)، از جمله ذخایر شناختی جدی حسن روحانی است که انجام مذاکره با وجود هشدارهای طرح شده را تجویز می‌کرد.

۳. کلیشه‌سازی از منتقدان

یکی از دلایل تبیین‌پذیری نظریه انسجام شناختی برای تحلیل چرایی پس زدن هشدارها این است که وی هشدارها و اطلاعات متعدد منفی منتقدان در خصوص برجام و چشم‌انداز آن را در قالب یک‌سری برجسب‌ها یا کلیشه‌ها می‌گنجاند و از این طریق سعی می‌کرد که ناهماهنگی‌های شناختی را با نسبت دادن کلیشه‌ها و صفات منفی به مخالفان برجام (از جمله هشداردهندگان نسبت به خروج احتمالی دولت آینده آمریکا از این قرارداد) را تحت الشعاع خود قرار دهد. از این رو شاهد به‌کارگیری برخی کلیشه‌ها و برجسب‌های منفی بر پیشانی

منتقدان برجام به‌ویژه در فاصله زمانی از اعلام هشدار خروج دولت بعدی در نامه سرگشاده ۴۷ سناتور (۱۸ اسفند ۱۳۹۳) تا خروج رسمی دولت دونالد ترامپ از آن (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) هستیم. برچسب‌هایی که همه‌گی این برچسب‌ها دلالت بر تاکید و پافشاری حسن روحانی بر راه مذاکره و برجام با شیوه خاص خود دولت داشت (خبرگزاری تسنیم، ۱۳/۱۲/۱۳۹۶). برچسب‌هایی از قبیل «دلالت‌ تحریم» (سخنان در جشنواره ملی امتنان از جامعه کار و تولید، ۸/۲/۱۳۹۴)، «کاسبان تحریم» (گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم، ۱۲/۵/۱۳۹۴)^۲، «عده‌ای افراطی» (سخنان در نشست مدیران تعاونی‌های کشور، ۲۱/۶/۱۳۹۴)^۳، «بددل، بدبین، بدگمان» (سخنان در مراسم روز جهانی کارگر، ۱۲/۲/۱۳۹۵)^۴، «هتاک، دروغگو، ناراحت از لغو تحریم‌ها، ناتوان در دیدن حقایق» (سخنان در افتتاحیه بیست‌ودومین نمایشگاه مطبوعات، ۱۵/۸/۱۳۹۵)^۵، «ذهن نگران و دروغگو» (سخنان در نخستین مجمع ملی سلامت،

^۱ «با توافق نهایی که اگر اراده جدی وجود داشته باشد در ماه‌های آینده امکان‌پذیر است، شرایط تولید بهتر خواهد شد. دلالت تحریم از هم‌اکنون به فکر شغل دیگری باشند.»

^۲ «البته این وضعیت برای کاسبان تحریم در دوی، اروپا، چین و حتی در تهران سود داشت و آنها اکنون از توافق عصبانی‌اند.»

^۳ «برجام به معنای شکستن همه این زنجیرهاست و آنهایی که رو کلمات پرافتخار که در آینده در خصوص جزئیات آن سخن خواهیم گفت، نظر دارند، بدانند که نخواهم گذاشت عده‌ای افراطی بخواهند به امید این ملت ضربه بزنند.»

^۴ «زمانی که می‌گفتیم می‌توان در پای میز مذاکرات مشکلات را حل کرد، بددل‌ها عنوان می‌کردند که این کار امکان‌پذیر نیست و روزی که می‌خواستیم با شش قدرت جهان به توافق برسیم، باز هم بدبین‌ها و بدگمان‌ها گفتند که درست است که به توافق رسیدید، اما قابل اجرا نیست و آن روزی که به روز اجرا و برجام رسیدیم، باز هم همان‌ها چنین گفتند که آنها به آنچه به شما وعده داده‌اند، عمل نخواهند کرد و شما در این مذاکرات به موفقیت نی‌رسید.»

^۵ «کشور به منتقد و نقاد نیاز دارد، نه هتاک! هتاک‌ها هنر نیست... چرا هتاکان امروز، سال‌های قبل سکوت می‌کردند؟... به‌خاطر تحریم، ۱۸۰ میلیارد دلار از منابع کشور را بلوکه کرده‌اند... حالا که تحریم برداشته شده، ناراحت هستند؟... چطور می‌شود حقایق را ندید؟ این موفقیت‌ها برای ملت ایران است... فردی که دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند، هیچ نسبتی با انقلاب ندارد... ۱۰۰ تحریم برداشته شده و ۳ تحریم مانده، آن ۱۰۰ را نمی‌بینند و این ۳ را می‌بینند...»



۱۳۹۵/۱۲/۸)، «هووهای برجام» (۱۳۹۶/۱/۲۵).^۲ قابل ذکر است که «بی‌شناسنامه»، «بزدل»، «بی‌سواد»، «اقلیت»، «افراطی»، «تازه به دوران رسیده»، «حسود»، «بروید به جهنم»، «بیکار»، «متوهم»، «ترسو»، «عصر حجری»، «لرزان»، «عقب‌مانده»، «دروغ‌پراکن»، «غوطه‌ور در فساد»، «دین‌شناس»، «هوچی‌باز»، «تخریب‌گر»، «ناراحت»، «تازه‌انقلابی» از دیگر برجسب‌های حسن روحانی به منتقدان و هشداردهندگان به شیوه مذاکرات، متن برجام و تضمین‌های طرف مقابل خصوصا دولت آمریکا در انجام تعهدات برجامی‌اش است (روزنامه سیاست روز، ۱۳۹۵/۴/۲۳) که به دلیل پرهیز از اطلاع مقاله از آن‌ها می‌گذریم. به طور خلاصه، این مقاومت در جهت تغییر شناخت با غیرعلمی و غیرمنصفانه خواندن انتقادها و هشدارها درباره برجام و خصوصا احتمال خروج دولت بعدی از آن موجب شد تا نوعی انعطاف‌ناپذیری شناختی را در حوزه دریافت اطلاعات و هشدارهای جدید در خصوص آسیب‌های احتمالی برجام شاهد باشیم.

۴. ضعف ذاتی رهبران در ارزیابی احتمالات در فضای عدم قطعیت و فشار

در تحلیل نهایی آنچه می‌بایست به ضعف شناختی در جدی‌انگاری هشدار ۴۷ سناتور اضافه کرد، عبارت است از ضعف ذاتی رهبران سیاسی در ارزیابی احتمالات در محیط و عالم سیاست. توضیح آنکه انسان‌ها، به‌ویژه رهبران سیاسی، به‌طور طبیعی در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز و پردامنه داخلی و بین‌المللی، دچار تردید و شکاکیت‌های پنهان و آشکار هستند و از این‌رو، نمی‌توان به درستی برآورد و تخمین آن‌ها تکیه کرد چراکه همواره اینگونه است که تخمین‌زندگان ضعیفی هستند. به‌ویژه اگر قرار باشد تصمیمی درباره واقعه، قرارداد، بحران یا ماجرای بدیع و بدون مشابه قبلی (مانند قرارداد برجام) اتخاذ شود، خطر اشتباه در برآورد بالاتر هم می‌رود. اهمیت این موضوع با توجه به «عدم قطعیت»^۳ و عدم اطمینان در

^۱ «متأسفانه برخی از تعامل با جهان بدشان می‌آید و از تقابل استقبال می‌کنند که البته این تقابل برای برخی نان داشته است... برخی ذهن‌نگرانی دارند و نگرانی را در جامعه ترویج می‌کنند...نباید مردم را با دروغ گفتن نسبت به آینده نظام و کشور مأیوس کرد.»

^۲ «...از امروز به بعد حفظ برجام یکی از مهم‌ترین مسائل سیاسی، اقتصادی و داخلی ملت ایران است و «هوو»هایی که بارها به قصد کشتن این نوزاد یعنی برجام تصمیم گرفته بودند نمی‌توانند سرپرست خوبی برای این فرزند باشند...»

^۳ uncertainty

محیط سیاست خارجی و لزوم تصمیم‌گیری عاجل و قاطع در چنین محیطی دوچندان می‌گردد. بدین ترتیب سیاست‌مداران و رهبران سیاسی در یک چنین محیط غیرمطمئنی گاه چاره‌ای جز حساب باز کردن بر روی اطمینان‌های کاذب به منظور کنترل نظم و شرایط موجود ندارند (Stein, 2005: 109). چنانکه حسن روحانی در آخرین مصاحبه رسمی خود به عنوان رئیس جمهور دوازدهم صراحتاً متذکر شده بود که برجام سایه جنگ را از روی ایران برداشت (خبرگزاری صداسیما، ۱۴۰۰/۵/۱۱). که این نوع نگرش حاکی از تصور وی از فشار زیاد (سایه جنگ بر سر کشور) برای تصمیم‌گیری عاجل در این زمینه در یک محیط ناامن و نامطمئن دارد:

علت آن که من در سال ۹۲ نامزد ریاست جمهوری شدم برای این بود که گرهی که ایجاد شده بود باور من بر این بود که این گره از طریق مذاکره و دیپلماسی قابل حل است. این گره به جایی رسیده بود که یا با دیپلماسی حل می‌شد یا به جنگ منتهی می‌شد... در سفر من به پاریس آقای اولاند در اواخر سال ۹۴ در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که در سال ۲۰۱۳، ۵+۱ تصمیم قطعی گرفته بودیم برای جنگ با ایران و به من گفت وقتی شما آمدید و اعلام برای مذاکره کردید و مذاکرات اولیه را دیدیم از جنگ منصرف شدیم... در ذهن من این بود که ما بر سر دو راهی هستیم یا وارد یک جنگ با دنیا می‌شویم یا وارد صلح می‌شویم و راه صلح مذاکره و دیپلماسی است (خبرگزاری صداسیما، ۱۴۰۰/۵/۱۱).

این فشار گاه به‌گونه‌ای است که رهبران سیاسی آگاهانه خطر و پیامدهای احتمالی تصمیمات اخذشده را می‌پذیرند. چنانکه درباره برجام هم چنین رویکرد آگاهانه‌ای در دیدگاه حسن روحانی نیز وجود داشت. جمله‌ای از آخرین مصاحبه وی، به عنوان رییس جمهور دوازدهم، با خبرگزاری صداسیما گویای چنین ادعایی است: «اگر ما می‌خواستیم این محدودیت‌ها را در برجام قبول نکنیم می‌بایست توافق ما با آمریکا به کنگره می‌رفت و در شرایط آن روز تصویب نمی‌شد و به نظر من در این روز هم تصویب آن بسیار بسیار مشکل است.....» (خبرگزاری صداسیما، ۱۴۰۰/۵/۱۱). همین گزاره به نوع دیگری در آخرین جلسه هیأت دولت وی در جمع مدیران ارشد قابل پیگیری است: «باید بینیم اصل پیمان را در آن زمان انجام می‌دادیم بهتر بود یا انجام نمی‌دادیم. ما کار دیگری نمی‌توانستیم انجام دهیم» (سخنان در جمع مدیران ارشد، ۱۴۰۰/۵/۱۱). تصریح به این موضوع که «کار دیگری



نمی‌توانستیم انجام دهیم»، حاکی از آن است که این تصمیم به صورت عاجل و بدون در نظر گرفتن همه جوانب و پیامدهای آن از حیث خروج یا عدم خروج دولت بعدی صورت پذیرفته است.

نتیجه‌گیری

تحلیل چرایی و چگونگی فاصله/شکاف میان شناخت رهبران و مدیران سیاسی و واقعیت‌های محیطی همواره یکی از موضوعات بغرنج در حوزه مطالعاتی روان‌شناسی سیاسی خصوصاً شاخه شناختی آن به شمار می‌رود. این فاصله و یا شکاف بیانگر اشتباه محاسباتی گریزناپذیر رهبران سیاسی در ارزیابی نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌های سیاسی-اقتصادی آنها در سطح تحلیل منطقه‌ای و بین‌المللی است. یکی از مصادیق چنین شکافی، نادرستی تحلیل‌ها و نظام شناختی رئیس دولت یازدهم و دوازدهم و برخی مقامات همفکر او از جمله وزیر خارجه این دو دولت از خروج محتمل دولت بعدی ایالات متحده آمریکا پس از پایان مذاکرات هسته‌ای و انعقاد قراردادی تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به «برجام» بوده است. البته چنین خروجی با توجه به سه شاهد قوی از حد و اندازه یک هشدار و احتمال صرف خارج شده بود و بیشتر به یک واقعیت متوقع بدل شده بود. این سه شاهد عبارتند از:

(۱) وجود موارد مشابه تاریخی از خروج دولت‌های آمریکا از برخی قراردادها حتی آن‌دسته از قراردادهایی که با عنوان حقوقی «معاهده»^۱ و با پشتوانه قطعنامه‌ای شورای امنیت منعقد شده‌اند؛

(۲) هشدار برخی سناتورها و حقوقدانان داخل کنگره مبنی بر عدم شناخت ایرانی‌ها نسبت به پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های حقوق اساسی ایالات متحده، به‌ویژه تقسیم کار میان روءسای جمهور و کنگره آمریکا در انعقاد قراردادهای خارجی؛

(۳) هشدار برخی منتقدان داخلی ایران در خصوص روایی و صحت حقوقی چنین هشدار و لزوم جدی گرفتن آن؛

با توجه به سه فکت یا شاهد فوق، پرسشی که درصدد پاسخ به آن برآمدیم این بود که چرا دولت روحانی این قبیل فکت‌ها و شواهد نگران‌کننده را ندید گرفت که دو فرضیه قابل طرح بود:

^۱ . treaty

فرضیه اول آن بود که مذاکرات هسته‌ای و قرارداد برجام یک پروژه سیاسی با اراده سیاسی و پیشین نظام و خصوصاً اراده سیاسی دولتمردان دولت روحانی بوده است و با وجود این هشدارها و خطرهای احتمالی و متوقع باید به سرانجام می‌رسید که اصولاً در این مقاله درصدد اثبات و رد این فرضیه برنیامدم و کوشیدم نشان دهم که دولتمردان در طول مذاکرات و روندهای منتهی به برجام، دست‌کم در مقام نظر و دیدگاه خود، در چارچوب تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و مردم حرکت کرده‌اند؛

فرضیه دوم آن بود که نوع استدلال و مواجهه بازیگران اصلی این مذاکرات خصوصاً روحانی و ظریف حاکی از نوع سوءبرداشت و یا شناخت نادرست از محتمل و متوقع بودن خروج دولت بعد از باراک اوباما از برجام بوده است که ریشه در مواردی مانند خوش‌بینی و ساده‌انگاری، کلیشه‌سازی از منتقدان، و نسبت دادن این هشدار و احتمال به کارشکنی‌های افراطیون داخلی (کاسبان تحریم) و خارجی (جمهوری‌خواهان افراطی کنگره، لابی صهیونیست‌ها و عربستان سعودی) داشته است. یافته‌های این مقاله با توجه به تحلیل شناخت رئیس و وزیر خارجه دولت دوازدهم و رئیس وقت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است اصرار آنها بر کفایت قطعنامه ۲۲۳۱ برای تضمین برای تعهد دولت/دولت‌های بعدی ایالات متحده به مفاد برجام و بی‌توجهی به هشدارهای داخلی و خارجی خروج دولت پسااوباما از این قرارداد، نه ناشی از بی‌مبالاتی یا رویکرد حزبی- سیاسی دولت به یک مسئله مرتبط با منفعت ملی بلکه نشأت گرفته از فرایند شناختی نادرست از جمله ساده‌انگاری هشدار مزبور و یا توطئه‌انگاری (کارشکنی گروه‌های افراطی) در روند مذاکرات بوده است. به نظر می‌رسد با توجه به سابقه تاریخی و تکراری خطاهای شناختی رهبران ایران در طول تاریخ معاصر، شناخت و رویکرد رهبران سیاسی در قبال اطلاعات محیطی آنها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش غیرقابل انکاری در فهم صحیح واقعیات و تنظیم اهداف، اولویت‌ها و رفتار سیاست خارجی و دیپلماتیک کشور دارد. از این‌رو از آنجاکه هرگونه خطای شناختی می‌تواند منجر به تکرار برخی تبعات منفی میان‌مدت و بلندمدت برای منافع ملی ایران گردد، آسیب‌شناسی شناخت رهبران سیاسی موثر در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده سیاست خارجی امری ضروری و لازم به‌شمار می‌رود.



کتابنامه

چهارده نکته درباره نامه ۴۷ سناتور آمریکایی به رهبران ایران: متن مقاله توکل حبیب‌زاده، فواد ایزدی و ابوذر گوهری درباره نامه ۴۷ سناتور جمهوریخواه آمریکایی به رهبران ایران. قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/12/24/687316/14>.

خرازی، سیدکمال؛ دولتی، رمضان (۱۳۸۸). راهنمای روان‌شناسی شناخت و علوم شناختی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ دوم.

روحانی، حسن (سخنرانی در جمع مدیران ارشد، ۱۱/۵/۱۴۰۰). قابل دسترسی در:

<https://www.isna.ir/news/1400051107425>

روحانی، حسن (آخرین مصاحبه با خبرگزاری صداوسیما، ۱۱/۵/۱۴۰۰). قابل دسترسی در:

<https://www.iribnews.ir/fa/news/3182221>

روحانی، حسن (سخنرانی در جلسه هیأت دولت، ۲۳/۴/۱۳۹۴). قابل دسترسی در:

<https://president.ir/fa/122133>

شریعتی، ایمان، «تقریبا هیچ». سرمقاله رونامه سیاست روز، ۲۳/۴/۱۳۹۵. قابل دسترسی در:

<https://www.pishkhan.com/Archive/1395/04/13950424/SiasatRuz83105971159750525270212.pdf>

علاءالدین بروجردی، مصاحبه با برنامه نگاه ۱ شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۲۴/۳/۱۳۹۴. قابل دسترسی در:

<https://www.icana.ir/Fa/Newsamp/279112>

ظریف، محمدجواد (مصاحبه در واکنش به نامه سرگشاده ۴۸ سناتور، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۸/۱۲/۱۳۹۳). قابل دسترسی در:

<https://dolat.ir/detail/259596>

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/12/13/1671683>

هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۳). روان‌شناسی سیاسی (وضعیت‌ها، اشخاص و قضایا). ترجمه سعید عبدالملکی. تهران. نشر دانژه. چاپ اول.

هیل کریستوفر (۱۳۸۷). ماهیت متحول سیاست خارجی. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Jervis, Robert, (1976). "Perception and Misperception in International Politics", Princeton, Princeton University Press.

- Renshon, Jonathan & Stanley A. Renshon (2008). "The Theory and Practice of Foreign Policy Decision Making", *Political Psychology*, Vol. 29, No. 4. pp. 509-536.
- Rosati, Jerel A (1995). "A cognitive approach to the study of foreign policy, in :Foreign Policy Analysis: Continuity and Change in its Second Generation, Laura Neack, Jeanne A. K. Hey, Patrick Jude Haney, Prentice Hall.
- Rosen, Armin (March 11, 2015) Here's what Kerry means when he says a nuclear deal with Iran will be 'nonbinding'. *Insider*. Available at: <https://www.businessinsider.com/kerry-says-iran-deal-not-legal-2015-3>.
- Rogin, Josh (March 9, 2015). "Republicans Warn Iran — And Obama — That Deal Won't Last". *Bloomberg*. Available at: <https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2015-03-09/republicans-warn-iran-and-obama-that-deal-won-t-last>.
- Solomon, Jay and Norman, Laurence. (November 20, 2014). "John Kerry Joins Iran Nuclear Talks in Vienna: Deal Between Iran and Six World Powers Could Prove Elusive". Available at: <http://www.wsj.com/articles/kerry-defends-nuclear-talks-with-iran-1424805589>.
- Stein, Janice Gross, (2005), Foreign policy decision-making: rational, psychological, and neurological Models. Available at: http://www.oup.com/uk/orc/bin/9780199215294/smith_ch06.pdf.
- <http://www.cotton.senate.gov/sites/default/files/150309%20Cotton%20Open%20Letter%20to%20Iranian%20Leaders.pdf>.
- <https://www.usconstitution.net/const.pdf>
- Wight, Colin (2002). "Philosophy of Social Science and International Relations". in Walter Carlsnaes, at Thomas Risse and Beth A. Simmons. *Handbook of International Relations*. London: SAGE Publications